Islam and Social Studies
Islamic Sciences and culture Academy
EISSN: 2676-7783
PISSN: 2345-5586

Analysis of the Components of Childbearing Capacity from the Perspective of Quranic Verses and Traditions*

Mohammad Javad Saqqayi Biria[1] **Esmail Cheraghi Koutiani**[2]

1. Assistant Professor, Department of Interpretation and Quranic Sciences, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran **(Corresponding Author)**.
mjbiria@iki.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.
cheraghi@iki.ac.ir

Abstract

In the demographic doctrine of "childbearing according to capacity," the ability of couples to proliferate children is considered the criterion for the desirability of childbearing. Here, capacity refers solely to the capability of "childbearing" rather than the process of child-rearing. The central question of this research is: based on Quranic verses and traditions, what are the internal components or elements constituting "childbearing capacity," and how can these components provide a more precise understanding of couples' reproductive responsibility? The data collection method of this study is library-based, and the data processing is descriptive-analytical. Its primary goal is to present the collection of Quranic and Hadith components related to childbearing capacity so that Muslim families can act upon an Islamic framework in their decision-making regarding childbearing. The findings of the research demonstrate that "childbearing capacity" is a multidimensional concept that cannot be reduced merely to the biological capability of couples.

* **Cite this article:** Saqaye Biria, M. J. & Cheraghi Koutiani, E. (2026). Analysis of the Components of Childbearing Capacity from the Perspective of Quranic Verses and Traditions. *Islam and Social Studies*, *14*(2), pp. 109-132.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.75455.2251

Article Type: Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy
Received: 2026/01/27 • **Revised:** 2026/04/01 • **Accepted:** 2026/05/22 • **Online Publication:** 2026/06/22

© 2026
authors retain the copyright and full publishing rights

On the one hand, this capacity depends on biological potential such as couples' fertility, marital relations, and the woman's reproductive capacity; on the other hand, it relies on psychological readiness and conditions such as foresight regarding childbearing difficulties and overcoming livelihood anxiety, as well as psycho-social conditions like possessing a correct attitude toward children, a sense of parental responsibility, and trust in social support systems.

Keywords

Childbearing Capacity, Childbearing According to Capacity, Reproductive Responsibility, Population Policies, Islamic Teachings.

اسلام و مطالعات اجتماعی
EISSN: ۲۶۷۶-۷۷۸۳
PISSN: ۲۳۴۵-۵۵۸۶

واکاوی مؤلفه‌های توان فرزندآوری از منظر آیات و روایات*

محمدجواد سقای بی‌ریا[۱] اسماعیل چراغی کوتیانی[۲]

۱. استادیار، گروه تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
mjbiria@iki.ac.ir

۲. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.
cheraghi@iki.ac.ir

چکیده

در اندیشه جمعیتی «فرزندآوری در حد توان»، توانایی زوجین بر تکثیر فرزند، معیار مطلوبیت فرزندآوری به‌شمار می‌آید. مقصود از توان، صرفاً ناظر به قابلیت «فرزندآوری» است؛ نه فرایند تربیت فرزند. پرسش محوری این پژوهش، آن است که بر اساس آیات و روایات، مؤلفه‌ها یا عناصر درونی سازنده «توان فرزندآوری» کدام‌اند و این مؤلفه‌ها چگونه می‌توانند فهم دقیق‌تری از میزان مسئولیت زوجین در زمینه باروری ارائه کنند. روش این پژوهش در گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و در پردازش داده‌ها توصیفی ـ تحلیلی است. هدف اصلی آن است که مجموعه مؤلفه‌های قرآنی و روایی مرتبط با توان فرزندآوری، ارائه شوند تا خانواده‌های مسلمان بتوانند در تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری، بر پایه چارچوبی اسلامی عمل کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که «توان فرزندآوری» مفهومی چندبُعدی است و نمی‌توان آن را به قابلیت زیستی زوجین فروکاست. این توان، از یک‌سو به ظرفیت‌های زیستی مانند زایایی زوجین، برقراری رابطه زناشویی و زادآوربودن زن، از سوی دیگر به وضعیت‌ها و آمادگی‌های روانی ازقبیل پیش‌آگهی از دشواری‌های فرزندآوری و غلبه بر اضطراب معیشتی، و نیز به شرایط روانی ـ اجتماعی همچون داشتن نگرش صحیح به فرزند، احساس مسئولیت والدینی و اعتماد بر نظام‌های حمایتی اجتماعی وابسته است.

کلیدواژه‌ها

توان فرزندآوری، فرزندآوری در حدّ توان، مسئولیت باروری، سیاست‌های جمعیتی، آموزه‌های اسلامی.

* سقای بی‌ریا، محمدجواد؛ چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۴۰۵). واکاوی مؤلفه‌های توان فرزندآوری از منظر آیات و روایات. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۴(۲)، صص ۱۰۹-۱۳۲.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.75455.2251

نوع مقاله: پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۵/۰۱/۱۲ ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۳/۰۱ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

۱۴۰۵ © «نویسندگان دارندهٔ حق‌مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند»

مقدمه

تحولات جمعیتی در دهه‌های واپسین، مسئله «باروری و موالید» را از یک امر صرفاً فردی و زیستی به یکی از راهبردی‌ترین کلان‌موضوعات حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در سطح جهانی و ملی تبدیل کرده است. در این میان، آموزه‌های اسلامی به‌روشنی بر مطلوبیت تکثیر نسل و افزایش جمعیت تأکید دارند. بااین‌حال، در چگونگی تحقق عینی این آموزه در سطح جامعه و الگوهای رفتاری خانواده‌ها، تقریرهای گوناگونی ارائه شده است. در تقابل با نگاه‌های تک‌بعدی که یا بدون توجه به واقعیت‌های وجودی انسان، فرزندآوری نامحدود را تکلیف می‌دانند و یا با استناد به دشواری‌ها، به تحدید نسل می‌گرایند، تقریر «فرزندآوری در حدّ توان» می‌کوشد توازنی برخاسته از عقلانیت دینی میان مسئولیت الهی نسبت به تکثیر نسل و ظرفیت‌های انسانی ارائه دهد (ر.ک: سقای بی‌ریا و آریان، ۱۴۰۲). بر پایه این رویکرد، مطلوبیت و تحقق مسئولیت بر دوش خانواده‌ها، پیوسته منوط به «توانمندی» آنان است.

با وجود اهمیت راهبردی این اندیشه، مسئله بنیادین و مورد غفلت در این نظریه، ابهام مفهومی و ساختاری در تعریف دقیق «توان» است. تحدید دامنه مسئولیت باروری به شرط «توان»، بدون ترسیم هندسه دقیق عناصر سازنده آن، این نظریه را در مرحله انطباق، با بن‌بست مواجه می‌سازد. از یک‌سو، نبود شاخص‌های مشخص ممکن است در اذهان برخی زوجین با وجود هرگونه دشواری و دغدغه ذهنی یا فشار اقتصادی تصویر «ناتوانی» ایجاد کرده و موجب شود که آنها از بار مسئولیت فرزندآوری شانه خالی کنند. از سوی دیگر، خوانش‌های صرفاً متمرکز بر قابلیت جسمانی (نظیر امکان آبستنی و زایمان)، می‌تواند به نادیده‌گرفتن سلامت روان، توان زیستی پایدار و آسیب به نظام زیستی ـ عاطفی خانواده و مادر منجر شود؛ بنابراین، گذار موفق از یک اندیشه نظری به یک چارچوب رفتاری کارآمد، نیازمند آن است که مرزها، ابعاد و سازه‌های تکوینی این «توان» با روش‌شناسی اجتهادی و بر پایه منابع وحیانی (قرآن و حدیث) واکاوی و صورت‌بندی شوند.

گرچه پژوهشگر در مطالعات پیشین خود، گام‌های مقدماتی را در بررسی اجمالی مؤلفه‌های این نظریه برداشته است (ر.ک: سقای بی‌ریا، ۱۴۰۳، صص ۶۱-۶۸)، اما ادبیات موجود نیازمند بازپژوهی عمیق‌تر، استخراج شواهد نص‌محور و استنطاق مستقیم از آیات و روایات

برای صورت‌بندی یک مدل مفهومی چندبُعدی است. پژوهش حاضر در پی آن است تا نشان دهد که در منظومه معرفتی اسلام، «توان» یک سازه بسیط زیستی نیست، بلکه برایندی از ظرفیت‌های فیزیولوژیک، آمادگی‌های روانی و پویایی‌های بین‌فردی (روانی ـ اجتماعی) زوجین است که همگی شواهدی دقیق در ادبیات وحیانی دارند.

براین‌اساس، پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: بر پایه آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام، عناصر درونی و سازنده «توان فرزندآوری» در زوجین کدام‌اند و این مؤلفه‌ها چگونه ساختار مسئولیت باروری را تبیین می‌کنند؟

برای دستیابی به پاسخ این پرسش محوری، پرسش‌های فرعی زیر مورد بررسی قرار خواهند گرفت: ۱. متون دینی چه مؤلفه‌های «زیستی» را در تکوین و ارزیابی توان فرزندآوری مورد توجه قرار داده‌اند؟ ۲. مؤلفه‌های «روانی» و وضعیت‌های شناختی ـ هیجانی در منظومه آیات و روایات، چه نقشی در تثبیت یا زوال توان باروری دارند؟ ۳. عوامل «روانی ـ اجتماعی» (نظیر تعاملات زوجین و کارکرد خانواده) چگونه در این منظومه فهم و صورت‌بندی می‌شوند؟

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و در گردآوری داده‌ها، مبتنی بر روش اسنادی و کتابخانه‌ای است؛ فرایند استنتاج و پردازش داده‌ها نیز بر پایه روش «توصیفی ـ تحلیلی با رویکرد تفسیر موضوعی درون‌قرآنی» سامان یافته است. مراحل عملیاتی این روش به شرح زیر انجام شده است:

۱. قلمرو و روش گردآوری آیات و روایات: ابتدا از روش تحلیل مفهومی و واژگانی، شبکه مفهومی و اصطلاحات پیرامونی مسئله مورد نظر در قرآن شناسایی گردید. با استخراج ریشه‌ها و کلمات هم‌خانواده و بهره‌گیری از معجم‌های قرآنی، دامنه آیات مرتبط مشخص شد. در مرحله بعد، تفاسیر معتبر و نیز جوامع روایی مورد واکاوی قرار گرفتند.

۲. الگوی تفسیر موضوعی و تحلیل دلالت‌ها: روش تفسیری در این پژوهش، مبتنی بر الگوی «تفسیر موضوعی ناظر به مسئله» است. در این فرایند، ابتدا گزاره‌های قرآنی براساس محورهای فرعی مسئله دسته‌بندی موضوعی شدند؛ سپس، با تکیه بر روش «تفسیر قرآن به قرآن» و با رعایت دقیق قراین حالیه و مقالیه، دلالت‌های واژگانی و ساختاری آیات بررسی

شد تا با عبور از دلالت‌های انفرادی، به دلالت جمعی و منظومه منسجم دیدگاه قرآن درباره مسئله نائل آییم.

۳. رویکرد به کاربست و اعتبارسنجی روایات: در این پژوهش، اصالت و مرجعیت نهایی با ظواهر و نصّ آیات قرآن است و روایات معصومان علیهم‌السلام در جایگاه مفسِّر، مبیِّن و قرینه تبیینی آیات به‌کار گرفته شده‌اند. در حوزه اعتبارسنجی احادیث، از نرم‌افزار تخصصی «درایةالنور نسخه ۱/۲» (مرکز نور، ۱۳۸۲) به‌عنوان ابزار کمکی در تجمیع طرق، بازیابی اسناد و بررسی رجال سلسله سند بهره‌برداری شده است.

۱. پیشینه‌شناسی

بررسی‌های گسترده در منابع علمی، نشان می‌دهند که تنها یک مورد پیشینه پژوهشی در این حوزه وجود دارد. سقای بی‌ریا (۱۴۰۳) در کتاب درآمدی بر فلسفه فرزندآوری در آیات و روایات، صفحات ۶۱ تا ۶۸، پس از بیان اصل ایده فرزندآوری در حد توان، اجمالاً به بررسی مؤلفه‌های توان فرزندآوری پرداخته است. در این اثر، ابتدا مؤلفه‌های توان فرزندآوری به دو قسم کمّی و کیفی تقسیم شده‌اند. مقصود از مؤلفه‌های کمّی، عناصری است که صرفاً بر شمار فرزندان تأثیرگذارند؛ درحالی‌که مؤلفه‌های کیفی به تربیت آنها اشاره دارند. سپس قدرت بر زادوولد، نبود خطر جانی، تزاحم نداشتن فرزندآوری با تکالیف اولویت‌دار و عسر و حرجی‌نبودن فرزندآوری از موارد مؤلفه‌های نخست دانسته شده‌اند. این اثر در مرحله بعد، اسلام، ایمان، محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام و تقویت نظام اسلامی را مؤلفه‌های کیفی توان فرزندآوری می‌داند؛ به این معنا که اگر زوجین بتوانند فرزند یا فرزندان خود را به پایین‌ترین سطح یکی از این کیفیت‌ها برسانند، فرزندآوری آنها در نخستین سطح از مطلوبیت خواهد بود.

با توجه به فشرده‌بودن مطلب این منبع در چند صفحه و ساختارمند و مستندنبودن آن، این موضوع مهم همچنان سربسته و نیازمند تشریح ژرف‌تر است؛ ازاین‌رو، می‌توان ادعا کرد که مسئله حاضر، همچون اصل اندیشه «فرزندآوری در حدّ توان»، واجد نوآوری است. این پژوهش، گسترش و تعمیق همان مطالعات پیشین است و چه‌بسا در خلال آن، برخی مواردِ اضافه یا دچار تغییر شوند.

۲. مفهوم‌شناسی

در میان واژگان عنوان مسئله، مفهوم «فرزندآوری» مشخص است، ولی سه مفهوم «مؤلفه»، «توان» و ترکیب «توان فرزندآوری» نیازمند بررسی هستند که در ادامه، به آن می‌پردازیم:

۲-۱. مؤلفه

این کلمه در زبان فارسی، به دو صورت اسم مفعولی و اسم فاعلی آمده است. «مؤلَّفه» در زبان فارسی، مؤنث مؤلَّف، به‌معنای کتاب یا رساله نوشته‌شده، الفت‌داده‌شده، بخشی از اصطلاح قرآنی «مؤلَّفةُ قلوبُهم» و مؤلِّفه به‌معنای یکی از فرقه‌های اسلامی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۱۳، ص ۱۹۲۸۳)؛ اما، این کلمه دارای معنای جدیدی نیز هست که در علوم روز کاربرد دارد و در کاربردهای کهن آن سابقه ندارد. برخی واژه‌نامه‌های انگلیسی، «مؤلفه» را چنین معنا کرده‌اند: «قسمتی ضروری یا عادی از چیزی و یکی از چندین بخشی است که چیزی شامل آنها می‌شود» (Oxford Learner's Dictionary, 2025). معنای اصطلاحی «مؤلفه» در جامعه‌شناسی عبارت است از اجزای سازنده، عناصر تفکیک‌پذیر یا بخش‌های جدایی‌ناپذیر از یک کل بزرگ‌تر؛ به‌گونه‌ای که آن کل بدون وجود این اجزا، قابل تعریف یا کارامد نخواهد بود (Checkland, 1999). مقصود از مؤلفه در این پژوهش، عبارت است از عناصر مقوّم یا عناصر درونی تشکیل‌دهنده توان فرزندآوری در زوجین؛ بنابراین، عناصر درونی آسان‌کننده فرزندآوری نیز مشمول این پژوهش هستند.

۲-۲. توان

کلمه «توان» در زبان فارسی و عربی، با معادل‌هایی چون «نیرو، یارا، قدرت، طاقت و استطاعت» برابر است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۵، ص ۷۰۸۷) که همگی به‌نوعی ظرفیت انجام کاری را می‌نمایانند. مفهوم توان در این پژوهش، با الهام از تلقی کلامی از قدرت و استطاعت، به‌معنای ظرفیت و قابلیت تکوینی و درونی انسان برای انجام یک فعل در نظر گرفته می‌شود (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۶ق، صص ۱۰۳-۱۰۶؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۱ق، صص ۸۰-۱۰۵).

۲-۳. توان فرزندآوری

ازآنجاکه مفهوم فرزندآوری مشخص است و با استفاده از معنای واژه «توان» که در

عنوان پیشین گذشت، «توان فرزندآوری» به معنای ظرفیت و قابلیت تکوینی یا درونی زوجین برای فرزندآوری است؛ ظرفیتی که از مجموعه عوامل جسمانی و روانی تشکیل می‌شود و امکان تحقق فرزندآوری را فراهم می‌سازد.

ازطرفی، در نوشتار حاضر، میان عناصر مقوّم توان فرزندآوری و عوامل مؤثر درونی آن تفکیک می‌شود. توان فرزندآوری دارای سه عنصر مقوّم (مؤلفه‌های زیستی) و هفت عنصر مؤثر درونی (مؤلفه‌های روانی و روانی ـ اجتماعی) است. عناصر مقوّم، اموری‌اند که نبود آنها، اصل توان فرزندآوری را منتفی یا مختل می‌سازد. عوامل مؤثر درونی نیز ویژگی‌ها، حالات، قابلیت‌ها یا شرایطی‌اند که در قلمرو وجودی زوجین و مناسبات مستقیم خانوادگی آنان قرار دارند و در جهت تقویت یا تضعیف توان فرزندآوری اثر می‌گذارند. براین‌اساس، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نهادیِ بیرون از زوجین و نظام مستقیم خانواده، با وجود اثرگذاری بر تحقق فرزندآوری، در شمار عوامل درونیِ توان فرزندآوری قرار نمی‌گیرند و از محدوده پژوهش حاضر خارج‌اند.

ازطرف دیگر، نباید «توان فرزندآوری» را با «تحقق فرزندآوری» آمیخت. توان فرزندآوری ناظر به ظرفیت درونی زوجین برای فرزندآوری است ـ و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ـ مؤلفه‌ها و عناصر آن نیز در سطح فردی، درونی و میان‌زوجی ظهور می‌یابند. در مقابل، تحقق فرزندآوری به تبدیل این ظرفیت به تولد واقعی فرزند در شرایط عینی زندگی اشاره دارد؛ ازاین‌رو، ممکن است زوجین با ظرفیت زیستی و باروری بالا، از توان فرزندآوری برخوردار باشند، اما موانع بیرونیِ گوناگون، اجازه بروز یا تحقق این توان را به آنها ندهد؛ بنابراین، این موانع، بخشی از مؤلفه‌های سازنده توان فرزندآوری تلقی نمی‌شوند؛ بلکه در زمره شرایط محدودکننده یا آسان‌کننده تحقق آن قرار می‌گیرند. پژوهش حاضر بر سطح نخست متمرکز است و تحلیل سطح دوم، نیازمند پژوهشی مستقل درباره شرایط تحقق فرزندآوری است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش با هدف تبیین رویکرد اسلامی به مسئله جمعیت و استخراج الگوی «فرزندآوری در حدّ توان» شکل گرفته است. برای دستیابی به این هدف، ابتدا دیدگاه کلی

اسلام درباره فرزندآوری و تکثیر نسل مورد بررسی قرار گرفته و سپس، با استناد به آیات قرآن و دیدگاه عالمان اسلامی، تقریر برگزیده در این مقاله ارائه می‌شود.

در میان نظریات رایج جمعیتی (افزایش، کاهش، ثبات، و تناسب جمعیت)، دیدگاه اسلام در آثار جمعیت‌شناختی، به‌طور کلی «طرف‌دار افزایش جمعیت» تفسیر شده است (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۳۶؛ چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۳۵۹). بااین‌حال، این رویکردِ ظاهراً یکپارچه، خود دارای سه تقریر متمایز است: ۱. افزایش حداکثری جمعیت؛ ۲. رویکرد همسو با تناسب جمعیت؛ و ۳. فرزندآوری در حدّ توان. تقریر سوم پیش‌فرض مقاله حاضر است و آن را با ادله قوی‌تری قابل دفاع می‌داند (سقای بی‌ریا و آریان، ۱۴۰۲، صص ۱۰ به بعد).

۳-۱. ادله قرآنی بر مطلوبیت تکثیر نسل

اگرچه قرآن کریم به‌طور صریح و مستقیم، امت را به «افزایش حداکثری جمعیت» فرمان نداده است ـ که این امر با توجه به مفهوم «فرزنددوستیِ فطری» قابل توجیه است ـ اما شواهد متعددی بر مطلوبیتِ کلیِ فرزندآوری و تکثیر نسل در آن یافت می‌شود.

تشویق به ازدواج و خانواده: آیه «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور، ۳۲)، با تأکید بر امر به ازدواج، به‌طور ضمنی زمینه را برای فرزندآوری و تشکیل خانواده پایدار فراهم می‌آورد. این تشویق، با علم به اینکه ازدواج و فرزندآوری امری طبیعی و پیوسته است، نشان‌گر نگاه مثبت اسلام به گسترش نسل است.

نهی از کشتن فرزندان به دلیل تنگدستی: آیات «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُم مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (انعام، ۱۵۱) و «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ» (اسراء، ۳۱)، نه‌تنها کشتن فرزندان را به‌صراحت حرام شمرده‌اند، بلکه با تأکید بر اینکه روزی والدین و فرزندان بر عهده خداوند است، ریشه‌های اقتصادی این عمل شنیع را قطع می‌کنند. این نهی، مستقیماً با جلوگیری از کاهش جمعیت ناشی از فقر احتمالی یا فعلی، به مطلوبیت حفظ و گسترش نسل اشاره دارد.

۳-۲. دیدگاه عالمان اسلامی درباره هدف از ازدواج و فرزندآوری

عالمان و مفسران اسلامی نیز، بر این نکته صحه گذاشته‌اند که یکی از اهداف اصلیِ

تشریعِ ازدواج در اسلام، «فرزندآوری و بقای نسل» است. به‌عنوان نمونه، برخی از آنها یکی از فضایل ازدواج را در گشودن راهی به‌سوی افزایش جمعیت می‌دانند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص ۴۹۶). برخی دیگر، ازدواج را ازآن‌جهت مستحب دانسته‌اند که موجب شکل‌گیری فرزند صالح و بقای نسل انسان است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج۱۲، ص ۹). در میان علمای متأخر نیز، برخی زادوولد مسلمانان را برای زدودن شرک و فساد، از مهم‌ترین اهداف اسلام دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج۴، ص ۱۸۹). برخی صاحب‌نظران، با اشاره به آیه **۲۲۳** سوره «بقره» که مردان را دارای حقّ تکثیر اولاد می‌دانند، از حامیان افزایش جمعیت هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۵).

۳-۳. ادله اثبات ایده «فرزندآوری در حدّ توان»

نگارنده در اثر پیشین خود (درآمدی بر فلسفه فرزندآوری در آیات و روایات)، **۹** دلیل متقن برای اثبات ایده «فرزندآوری در حدّ توان» اقامه کرده است. در این چارچوب نظری، به مهم‌ترین این ادله به‌طور خلاصه اشاره می‌شود:

۱. تفسیر آیه ۶۰ سوره انفال: آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰)، ضمن تأکید بر آمادگیِ همه‌جانبه در برابر دشمنان، واژه «قوّة» را به مفهومی فراتر از صرفِ توانِ نظامی تعمیم می‌دهد. این «نیروی» فراگیر، شاملِ «نیروی انسانی» (جمعیت) نیز می‌شود؛ به‌گونه‌ای که افزایشِ جمعیتِ سالم و کارآمد، خود به مثابه یک «قوّة» بازدارنده و تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی عمل می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۷، ص ۲۲۲؛ رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج۱۰، ص ۵۴). این برداشت، با توجه به اطلاق واژه «قوّة» و روح کلی آیه، مورد تأیید برخی روایات مرتبط مانند روایت امام صادق علیه‌السلام درباره سنگین‌کردن زمین با تسبیح‌گویان، قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص ۳۲۸، روایت ۴).

۲. فرزنددوستی فطری و میل به کمال: انسان فطرتاً گرایش به فرزندآوری دارد (مصباح یزدی و اسکندری، ۱۳۹۴، ج۲، ص ۲۷۳). این گرایش، مانند دیگر تمایلاتِ فطری، میل به «کمال» و «شدت» دارد. با در نظر گرفتنِ محدودیت‌های دنیوی (ظرفیت زیستی، اقتصادی و اجتماعی)، این میل فطری به سمت «فرزندآوری در حدّ توان» هدایت می‌شود؛ یعنی تا

جایی که امکان تربیت صحیح و تـأمین نیازهـای فرزنـد وجـود داشـته باشـد، ایـن گـرایشِ فطری، خود را نشان می‌دهد.

این ادله که به‌طور اجمالی گزارش شدند، چارچوب نظری این پژوهش را شکل داده و نشان می‌دهند که اسلام، ضمن تأکید بر مطلوبیـت فرزنـدآوری، رویکـردی واقع‌گرایانـه و مبتنی بر «توانایی» را برای تحقق آن ارائه می‌دهد، نـه صـرفاً «افـزایش بـی‌رویـه» یـا «کنتـرل صرفاً اقتصادی».

۴. یافته‌ها

پس از مراجعه به متـون قرآنـی و روایـی، چنـدین نـوع مؤلفـه و عنصـر درونـی بـرای تـوان فرزندآوری به‌دست آمد که توان فرزندآوری، حاصل برآیند همه آنهاسـت. بـراین‌اسـاس، هرگاه یکی از این مؤلفه‌ها وجود نداشته باشد یا به‌درستی تحقـق نیابـد ـ بسـته بـه رکـن یـا آسان‌کننده‌بودن آن مؤلفه ـ توان فرزندآوری به کلـی از میـان مـی‌رود یـا دسـت‌کم از آن کاسته می‌شود. این مؤلفه‌ها ـ که هریک به بسـتری خـاص، یعنـی زیسـت، روان و روانِ در ارتباط با اجتماع تعلـق دارنـد ـ عبارت‌انـد از: ۱. مؤلفـه‌های زیسـتی؛ ۲. مؤلفـه‌های روانـی؛ ۳. مؤلفه‌های روانی ـ اجتماعی. این دسته‌بندی نشان می‌دهد که تـوان فرزنـدآوری تنهـا بـه امکان جسمانی محدود نیست.

در الگوی مورد نظر، مؤلفه زیستی در نخستین سـطح مؤلفـه‌ها قـرار دارد؛ ماننـد عناصـر مقـوّم و رکنـی کـه در ایـن قسـم قـرار دارنـد. مؤلفـه روانـی، نخسـتین سـطح عوامـل مـؤثر درونی است که موجب تقویت یا تضـعیف تـوان فرزنـدآوری در زوجـین می‌شـود. مؤلفـه روانی ـ اجتماعی در سطح بعـد قـرار دارد؛ زیـرا حـالات درونـی زوجـین را در ارتبـاط بـا اجتماع (محیط) در نظر می‌گیرد و ویژگی تقویتی یا تضعیفی دارد.

۴-۱. مؤلفه‌های زیستی

برخی از مؤلفه‌های توان فرزندآوری، بـه شـرایط و حالت‌هـای «بیولوژیـک» یـا زیسـتی زوجین مرتبط‌اند. ازجمله این مؤلفه‌ها، می‌توان به زایابودن زوجـین، سـنّ زن هنگـام رابطـه زناشویی، اقدام بـه روابـط زناشـویی و زادآور (ولود)بـودن زن اشـاره کـرد کـه سـه عنصـر

نخست مقوّم، و عنصر واپسین، آسان‌کننده تـوان فرزنـدآوری هسـتند. در ادامـه، هریـک از این عناصر به‌تفصیل بررسی می‌شود.

۴-۱-۱. زایایی زوجین

نخستین مؤلفه مقوّم در توان باروری، «زایایی» یا توان بـر بارورسـازی (ازطـرف مـرد) و بارورشدن (ازطرف زن) است. دقت شود که این مفهوم با «زادآوری» که در آینده خواهـد آمد، متفاوت است. زن و مردی که این قدرت را نداشته باشند، اصـطلاحاً «نـازا» و در زبـان عربی، «عقیم» نامیده می‌شوند. قرآن در چندین آیه، مسئله نازایی همسران برخی از پیـامبران الهی علیهم‌السلام را مطرح ساخته است؛ امری که مانع از فرزنددارشدن آنها بـوده اسـت. زکریـا علیه‌السلام در مناجات خود به درگاه الهی برای فرزنددار شدن، پیری خود را مانعی جدی بـر سـر ایـن راه نمی‌بیند، اما عرضه می‌دارد: «وَكانَتِ امْرَأَتی عاقِراً فَهَبْ لی مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا؛ و (ازطرفـی) همسرم نازا و عقیم است؛ تو از نزد خود جانشینی به من ببخش» (مریم، ۵). از این بیان، معلـوم می‌شود که نازایی مساوی است با ناتوانی بر باروری و این مشـکل ـ بـه تصـریح قـرآن ـ از جانب همسرِ زکریا علیه‌السلام بوده است. در آیه دیگری، خداوند می‌فرماید: «فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَوَهَبْنا لَهُ يحْيى وَأَصْلَحْنا لَهُ زَوْجَهُ؛ ما هم دعای او [= زکریا] را پذیرفتیم، و یحیی را بـه او بخشـیدیم؛ و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم» (انبیاء، ۹۰).

ناباروری گاه به‌دلیل نبود شرط سـنّی در زن اسـت؛ یعنـی زن به‌صـورت طبیعـی قابلیـت بارورشدن را داشته است، ولی اکنون، چون یائسه شده است، دیگر بارور نمی‌شود. اما، گاه زن به‌خودی‌خود ـ حتـی در سـنّ مناسـبِ بارورشـدن ـ مشـکلی دارد کـه بـه‌معنای نـازایی اوست. قرآن در اشاره به قسم دوم نازایی، می‌فرماید: «وَيجْعَلُ مَنْ يشاءُ عَقيماً؛ و هـر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد» (شوری، ۵۰).

۴-۱-۲. سنّ زن هنگام رابطه زناشویی

یکی دیگر از مؤلفه‌های مقوّم برای توان فرزندآوری، «سنّ زن» هنگام اقدام به برقـراری رابطه زناشویی است. مشخص است که به‌لحاظ زیستی، قـدرت بارورشـدن زنـان نسـبت بـه امکان بارورسازی مردان، محدودیت سنّی دارد. مردان پس از رسیدن به سن بلـوغ جنسـی،

به‌شرط سلامت دستگاه تولیدمثل خود، محدودیت سنّی خاصی برای بارورسازی ندارند و تا آخر عمر بر این کار قادر هستند ـ هرچند عملاً امکان آن به‌مرور کمتر می‌شود (ر.ک: Zhang, 2022)؛ اما، زنان معمولاً بین سنّ شروع اولین عادت ماهانه (حدود ۱۲ سالگی) تا زمان یائسگی (حدود ۵۵ سالگی) قابلیت باروری دارند و قبل و پس از این سنین، به‌دلیل عدم آزادسازی تخمک، باروری ازطرف آنها امکان‌پذیر نیست (ر.ک: Wallace; Kelsey, 2011).

به همین خاطر، هنگامی که فرشتگان الهی به ابراهیم علیه‌السلام بشارت پسری دانا دادند، همسر او از خود چنین واکنش نشان داد: «یا وَیلَتَا ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلی شَیخًا إِنَّ هَذَا لَشَیءٌ عَجِیبٌ؛ ای وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم درحالی‌که پیرزنم، و این شوهرم پیرمردی است؟! این راستی چیز عجیبی است!» (هود، ۷۲). در این موقعیت، تعجب ساره از این بشارت تعجبی بجا بود؛ چراکه زن در سنّ معینی دیگر به باردارنشدن همیشگی خود یقین می‌کند (قطب، ۱۴۲۵ق، ج۴، ص ۱۹۱۲). همسر ابراهیم علیه‌السلام نیز، در کنار پیری، به مانع دیگری بر سر راه فرزندآوری خود اشاره می‌کند و آن «نازایی» است (ر.ک: ذاریات، ۲۹)؛ بنابراین، پیری زن به‌معنای فقدان یکی از مؤلفه‌های زیستی برای توان فرزندآوری است؛ زیرا پیری زن به‌تنهایی برای بارورنشدن او کافی است.

نداشتن شرط سنِّی مناسب برای باروری زن، گاه مستند به اختیار خود اوست؛ مانند اینکه زن در ملاک‌های انتخاب همسر بیش‌ازحد سخت‌گیری کند و در نتیجه، سنّ ازدواج و اقدام به فرزندآوری برای او بالا رود و از سنّ مناسب فرزندآوری عبور کند؛ اما، گاه بالارفتن میانگین سنّ ازدواج در جامعه، حاصل شرایط خاصّ اجتماعی است که دیگر مستند به اختیار فرد مجرد نیست. هرکدام از این دو که باشد، واقعیت آن است که افزایش سنّ هنگام برقراری رابطه زناشویی، احتمال باروری آنها را به‌شدت کاهش می‌دهد تا جایی که حتی ممکن است ـ اگر به سنّ یائسگی رسیده باشند ـ آن را به صفر برساند.

۴-۱-۳. برقراری رابطه زناشویی

در نگاه ابتدایی، چنین به نظر می‌رسد که ازدواج نیز یکی از عناصر تشکیل‌دهنده توان باروری است؛ اما، پس از مراجعه به آیات قرآن، شواهدی برخلاف این برداشت یافت می‌شوند. شواهد قرآنی پیش‌رو، به نقش این رابطه در تبیین سازوکار طبیعی فرزندآوری

توجه دارند.

شاهد نخست آنکه، قرآن می‌فرماید: «یا أَیهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا کَثِیرًا وَنِسَاءً؛ ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، همان که شما را از تنی یگانه آفرید و از (سرشت) او همسرش را پدید آورد و از آن دو، مردان و زنان بسیار (در جهان) پراکند» (نساء، ۱). این آیه به‌روشنی دلالت دارد که بین آدم و حوا از قبل رابطه زوجیت برقرار بوده است و پخش‌شدن زنان و مردان بسیار در زمین، به‌خاطر ارتباط زناشویی آن دو بوده و این ارتباط برای تکثیر نسل در وجود انسان نهاده شده است (مصباح یزدی و اسکندری، ۱۳۹۴، ج۲، ص ۲۰۸).

شاهد دیگر آنکه، هنگامی که مریم علیها السلام برای عبادت و اعتکاف از قوم خود کناره‌گیری کرد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج۱۴، ص ۳۵)، ناگاه فرشته وحی به‌شکل انسانی بی‌عیب و نقص بر او متمثل شد و او را به ولادت عیسی علیه السلام بشارت داد: «قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّکِ لِأَهَبَ لَکِ غُلَامًا زَکِیًّا؛ گفت: من فرستاده پروردگار توام؛ (آمده‌ام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم!» (مریم، ۱۹).

مریم علیها السلام که دوشیزه‌ای پاکدامن بود، با تعجب از آن فرشته پرسید: «أَنَّی یکونُ لِی غُلَامٌ وَلَمْ یمْسَسْنِی بَشَرٌ وَلَمْ أَکُ بَغِیًّا؛ چگونه برای من پسری خواهد بود؛ درحالی‌که نه هیچ بشری با من آمیزش زناشویی کرده است و نه بدکار بوده‌ام» (مریم، ۲۰). «مسّ» در لغت به‌معنای ارتباطی است که در آن حس لامسه کارگر باشد و گاه کنایه از ارتباط زناشویی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج۷، ص ۲۰۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۶۷). این بدان معناست که راه طبیعی باردارشدن زن، از دو حال خارج نیست؛ یا باید از طریق رابطه زناشویی باشد و یا او باید در روابط خود با جنس مخالف، دچار انحراف شده باشد.

سؤال همراه با تعجبِ این زن جوان پاکدامن از چگونه باردار شدنش به فرزند بدون هیچ‌یک از این دو راه، به‌روشنی حاکی از آن است که رابطه زناشویی یکی از مؤلفه‌های زیستی باروری است که به‌منظور تکثیر نسل مورد تأیید و تأکید شرع است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج۱۴، ص ۴۲؛ مکارم شیرازی ، ۱۳۷۱، ج۱۳، ص ۳۵).

البته، در مورد مریم و فرزندش عیسی علیهما السلام اراده قطعی خداوند چنین بود که بارداری مادر به فرزند، به‌شکلی خارق‌العاده و مستند به فرمان الهی (یعنی به‌صورت «کُن فَیکون»)

صورت پذیرد؛ بی‌آنکه پدری در میان باشد: «قالَ کذلِکَ اللهُ یخْلُقُ ما یَشاءُ إِذا قَضَی أَمْراً فَإِنَّما یَقُولُ لَهُ کنْ فَیکونُ؛ فرمود: خداوند، این‌گونه هرچه را بخواهد می‌آفریند! هنگامی که چیزی را مقرر دارد (و فرمان هستی آن را صادر کند)، فقط به آن می‌گوید: موجود باش! آن نیز فوراً موجود می‌شود» (مریم، ۲۰؛ نیز ر.ک: آل‌عمران، ۵۹).

۴-۱-۴. زادآوربودن زن

برخی از زنان علاوه‌بر اینکه دارای اصل قدرت زایش هستند، در آفرینش خود به‌گونه‌ای‌اند که می‌توانند فرزندان فراوانی به دنیا بیاورند. به‌تعبیر دیگر، آنها به‌لحاظ روحی و جسمی این آمادگی را دارند. در زبان عربی، به این قسم از زنان «ولود»، یعنی زنی که فرزندان فراوان به دنیا می‌آورد، می‌گویند (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ج۲، ص ۶۸۲). در برخی روایات، به ازدواج با زن «ولود» توصیه شده است. برای نمونه، در روایتی معتبر از امام باقر علیه‌السلام به‌نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است: «تَزَوَّجُوا بِکراً وَلُوداً وَلَا تَزَوَّجُوا حَسْنَاءَ جَمِیلَةً عَاقِراً فَإِنِّی أُبَاهِی بِکمُ الْأُمَمَ یوْمَ الْقِیامَةِ؛ با زنان باکره و زادآور ازدواج کنید و از ازدواج با زن زیبایی که نازاست، بپرهیزید؛ چراکه من روز قیامت به [کثرت] شما بر دیگر امت‌ها مباهات می‌کنم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص ۳۳۳، روایت ۲).

«ولود»بودن زن، در توان او برای فرزندآوری نقش اساسی ندارد، یعنی زن غیرولود هم بر فرزندآوری توان دارد. اما، اگر زنی ولود و زادآور باشد، قدرت او در فرزندآوری بیش از زنان عادی است. حال با توجه به روایت فوق، باید گفت که مطلوب نزد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن بوده است که فرزندان در جامعه اسلامی فراوان باشند و در نتیجه، جمعیت مسلمانان در دنیا و آخرت بیشتر شود.

مطلوبیت ازدواج با زن ولود، نه بدان معناست که انسان با زن مطلّقه یا بیوه‌ای ازدواج کند که از ازدواج پیشین خود فرزندان فراوان دارد، بلکه مقصود آن است که بنگرد اطرافیانِ آن زن، مانند مادر، خواهر و خاله، فرزندان فراوانی دارند که این خود نشانه‌ای است که او هم به‌احتمال قوی به‌لحاظ وراثت چنین خواهد بود. قرینه روشن این ادعا، آمدن لفظ بِکر (دوشیزه) در روایت فوق است که می‌فرماید: با زنان باکره و زادآور ازدواج کنید (سقای بی‌ریا، ۱۴۰۳، ص۴۳). براین‌اساس، روایت در کنار توصیه به توجه به قابلیت

زادآوری، ملاکی برای سنجش ارزشمندی یا شایستگی افراد به دست نمی‌دهد. این نکته همچنین با تفکیک پیش‌گفته سازگار است: زادآوربودن، اصل توان فرزندآوری را ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند آن را تقویت کند.

۴-۲. مؤلفه‌های روانی

یکی از عناصر درونی توان فرزندآوری، مؤلفه‌های روانی هستند که باید آنها را به‌منظور کسب آمادگی روانی برای فرزندآوری در نظر گرفت. البته، این عناصر درونی آسان‌کننده فرزندآوری هستند؛ یعنی بدون کسب آنها، در فرزندآوری زوجین چالش به‌وجود می‌آید. دراین‌باره سه مورد از مستندات قرآنی استفاده می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱. پیش‌آگهی از دشواری‌های فرزندآوری؛ ۲. غلبه بر اضطراب معیشتی؛ ۳. امید به فرزندآوری به‌ویژه در شرایط سخت.

۴-۲-۱. پیش‌آگهی از دشواری‌های فرزندآوری

هر کار مهمی در زندگی انسان، نیازمند پیش‌آگهی از زوایای گوناگون آن است. یکی از این زوایا، سختی‌های انجام آن کار است. قرآن در بیان قاعده‌ای کلی، میان آگاهی از جوانب کار از یک طرف و صبر و استقامت در مسیر انجام آن ازطرف دیگر، ارتباط برقرار کرده است؛ آنجاکه سخن خضر را به موسی علیه‌السلام چنین بیان فرموده است: «وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا؛ و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی، شکیبا باشی؟!» (کهف، ۶۸). این ادعا که فرزندآوری ـ پس از تشکیل خانواده ـ دومین تغییر اساسی در زندگی زوجین و بنابراین، نیازمند آگاهی کافی آنها نسبت به سختی‌های آن است، سخنی گزاف نیست.

زوجین باید پیش از فرزندآوری ـ دست‌کم به‌طور اجمالی ـ بدانند که با این کار، بخشی از آسایش آنها سلب خواهد شد؛ گاه خوابشان مختل می‌شود؛ گاه باید کمتر از قبل غذا بخورند یا گرسنگی را تحمل کنند؛ گاه باید سختی‌های بیماری فرزند را بر خود هموار سازند و... . علاوه‌بر اینها ـ که برای هر دو زوج است ـ متون دینی از رنج و ناتوانی افزون مادر ـ به‌طور ویژه ـ در طول بارداری (ر.ک: لقمان، ۱۴)، دشواری‌های دو سال

شیردهی برای مادر (ر.ک: بقره، ۲۳۳)، لزوم مقدّم داشتن فرزند در برخی موارد و سلب برخی آسایش‌ها پس از فرزنددارشدن (ر.ک: ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص ۶۲۱)، احتمال از دست‌دادن فرزندان (بقره، ۱۵۵) و مانند این مطالب اشاره دارند. البته، تحمل همه این سختی‌ها با اهدافی والا، مانند تربیت نسل توحیدی بر روی زمین، انجام می‌شود.

۴-۲-۲. غلبه بر اضطراب معیشتی

ترس از فقیرشدن، بی‌ثباتی اقتصادی یا ناتوانی در تأمین آینده، یکی از عوامل روانی است که ادراک مخاطره را در زوجین افزایش داده و می‌تواند فرزندآوری را با اضطراب و تعلیق مواجه سازد یا آن را به تأخیر اندازد (ر.ک: کلاته ساداتی و همکاران، ۱۴۰۴). در متون دینی نیز از این ترس با تعابیری نظیر ترس از فقر یا تشدید آن یاد شده است. بی‌شک که اصل وجود این ترس، برای تحریک انسان به کار و تلاش اقتصادی ضروری است، ولی در بسیاری از موارد، ممکن است این ترس به‌قدری افراطی شود که حتی والدین را به سقط جنین یا قتل فرزندان متولدشده خود سوق دهد. قرآن دراین‌باره می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ؛ و فرزندانتان را از [ترس] فقر نکشید». در ادامه همان آیه، برای مهار این ترس، به نکته‌ای شناختی، یعنی روزی‌رسانی خداوند به والدین و فرزندان، اشاره شده است: «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ؛ ما شما و آنها را روزی می‌دهیم» (انعام، ۱۵۱؛ نیز ر.ک: اسراء، ۳۱).

در روایتی معتبر از امام صادق علیه‌السلام نیز، چنین آمده است: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللهِ الظَّنَّ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص ۳۳۰، روایت ۵)؛ هر کس از ترس فقر ازدواج را ترک کند، به خدا گمان بد برده است». روشن است که ترس از ازدواج و فرزندآوری در یک راستا هستند؛ بنابراین، هر قدر میزان اعتماد بر رزاقیت خداوند در زوجین بالاتر باشد، توان آنها بر فرزندآوری تقویت خواهد شد و هرقدر آنها به خداوند بدبین باشند، عملاً از فرزندآوری اجتناب خواهند کرد یا حتی فرزندانشان را از میان خواهند برد.

۴-۲-۳. امید به فرزندآوری به‌ویژه در شرایط سخت

از دیگر مؤلفه‌هایی که موجب تقویت یا تضعیف توان فرزندآوری زوجین می‌شود، میزان امید آنها به خداوند و توکل آنان بر او درباره فرزنددارشدن ـ به‌ویژه در سنین پیری

یا شرایط دشوار ـ است. فردی که در چنین شرایطی نیز فرزندخواهی دارد، چنانچه به خداوند ایمان داشته باشد و بداند که تنها اوست که به هرکه بخواهد، فرزند هدیه می‌دهد (ر.ک: شوری، ۴۹و۵۰)، حتی در آن شرایط نیز از فرزنددارشدن مأیوس نمی‌شود؛ بنابراین، نباید حاکم‌بودن اراده الهی بر تمامی این عوامل را نادیده گرفت؛ زیرا برخی عوامل فرزندآوری در صورت خواست خداوند ممکن است از کار بیفتند یا در شرایط غیرمعمول کارساز باشند.

مثال بارز این مطلب، دو پیامبر الهی، یعنی ابراهیم و زکریا علیهما السلام و دختری پارسا و پاکدامن، یعنی مریم علیها السلام، هستند که دو نفر نخست در سنّ پیری و شرایط نازایی همسرشان، صاحب فرزند شدند (به‌عنوان نمونه، ر.ک: حجر، ۵۳-۵۷؛ مریم، ۲-۷) و مریم علیها السلام به خواست خداوند بدون اینکه ازدواج کرده باشد یا از راه درست منحرف شده باشد، فرزند به دنیا آورد (به‌عنوان نمونه، ر.ک: مریم، ۱۷-۲۴).

۴-۳. مؤلفه‌های روانی ـ اجتماعی

مؤلفه‌های روانی مواردی بودند که تنها به جنبه درونی و فردی زوجین اشاره داشتند و به دانش روان‌شناسی مرتبط هستند. اما، مؤلفه‌های روانی ـ اجتماعی به امور روانی با توجه به نگرش‌ها، مسئولیت‌ها و ساختارهای اجتماعی مربوط هستند. این مباحث در دانش روان‌شناسی اجتماعی بررسی می‌شوند. سه مورد آتی نیز، از عناصر درونی مؤثر بر فرزندآوری و آسان‌کننده آن هستند.

۴-۳-۱. داشتن نگرش صحیح به فرزند

نوع نگاه زوجین به پدیده‌ها ـ یا همان کیفیت نگرش آنها ـ بخش مهمی از فضای روانی آنها به‌شمار می‌آید. «نگرش» عبارت است از «یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع‌های اجتماعی یا قدری وسیع‌تر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶). در این پژوهش، توجه به نگرش از آن جهت اهمیت دارد که برداشت زوجین از معنای فرزند، در ارزیابی آنها از تصمیم فرزندآوری اثر می‌گذارد.

نگرش‌های زیادی در مورد فرزند و فرزندآوری، می‌توانند این رفتار را برای خانواده

آسان سازند؛ چراکه هرچه نگرش انسان به چیزی مثبت‌تر باشد، انجام رفتارهای مرتبط با آن آسان‌تر می‌شود. به‌عنوان نمونه، اگر نگرش زوجین چنین باشد که فرزند هدیه‌ای الهی است که خداوند آن را به هر زوجی عطا نمی‌کند (شوری، ۴۹-۵۰)، یا اینکه فرزند به‌خودی‌خود ارزشمند و برای دیگران سودمند است (سقای بی‌ریا، ۱۴۰۳، ص ۹۱)، یا اینکه فرزند مایه برکت و ازدیاد روزی خانواده است (ر.ک: اسراء، ۳۱؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۷۴، روایت ۱۰۹۶)، قطعاً ـ ازطریق ایجاد انگیزه بیشتر برای این کار ـ توان فرزندآوری آنها افزایش خواهد یافت و بر مشکلات آن فائق خواهند آمد؛ اما، زن و شوهری که فاقد چنین نگرش‌هایی هستند، یا برعکس نگرش‌های مخرّب نسبت به فرزند دارند، به سختی تن به فرزندآوری یا تکثیر نسل می‌دهند (برای اطلاع از نگرش‌های گوناگون درباره فرزند، ر.ک: علوی، ۱۴۰۳، کل اثر).

۴-۳-۲. احساس مسئولیت والدینی

یکی دیگر از مؤلفه‌های روانی ـ اجتماعی درباره توان فرزندآوری در زوجین، آن است که آنها نسبت به فرزند و وظیفه تربیت جسمی و روحی او از پیش احساس مسئولیت داشته باشند. زوجین کسانی هستند که فرزند را به زندگی این دنیا می‌آورند و همان‌ها باید شرایط سعادتمندشدن او را در این زندگی فراهم سازند. قرآن دراین‌باره فرموده است: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکمْ وَأَهْلِیکمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتش... نگاه دارید» (تحریم، ۶). البته، این آیه مستقیماً به تربیت روحی و هدایت معنوی فرزند اشاره دارد؛ زیرا از حفظ فرزندان از عذاب الهی سخن به‌میان آورده است، اما مشخص است که برای رسیدن به چنین هدفی، باید از مسیر دیگر انواع تربیت، مانند تربیت جسمی و عاطفی، عبور کرد.

۴-۳-۳. اعتماد بر نظام‌های حمایتیِ اجتماعی

عنوان این مؤلفه بر نقشی تأکید می‌کند که اطمینان از همراهی دیگران می‌تواند در کاهش احساس تنهایی و دشواری‌های پیش‌بینی‌شده داشته باشد. این حمایت لزوماً به معنای برعهده‌گرفتن مسئولیت والدین نیست؛ بلکه می‌تواند در قالب یاری عاطفی، عملی یا

فراهم‌کردن تسهیلات اجتماعی نمود پیدا کند.

زوجین اگر از پیش بدانند که پس از تولد فرزندان، کسانی در دشواری‌های این راه، از آنها حمایت خواهند کرد و بر این حمایت اجتماعی اعتماد کنند، انگیزه و توان بیشتری برای فرزندآوری خواهند داشت؛ تا زمانی که خود را در میانه میدان تنها ببینند. گرچه در قرآن آیه‌ای خاص و صریح درباره این عنوان یافت نمی‌شود، ولی برخی آیات به‌صورت عام شامل آن می‌شوند؛ مانند: «تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؛ یکدیگر را در نیکی و پرهیزگاری یاری کنید» (مائده، ۲). آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيراتِ؛ در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید!» (بقره، ۱۴۸). با توجه به ادله قرآنی و روایی که مطلوبیت فرزندآوری و تکثیر نسل را مطرح می‌سازند (مانند انفال، ۶۰ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص ۲، روایت ۳)، معلوم می‌شود که یکی از کارهای خیر ـ بلکه از مهم‌ترینِ آنها ـ تسهیل فرزندآوری برای خانواده‌های مسلمان است. این آسان‌سازی توسط دو گروه امکان‌پذیر است: ۱. افراد جامعه اسلامی؛ اعم از خویشان و آشنایان؛ ۲. دولت‌های اسلامی.

در وهله نخست، اقوام و خویشان می‌توانند در نگهداری فرزندان ـ به‌ویژه اگر متعدد باشند و خانواده کم‌بضاعت باشد ـ کمک شایانی انجام دهند. دراین‌صورت، والدین آنها ـ به‌ویژه مادرشان ـ می‌توانند بر ارتقای علمی و معنوی خویش سرمایه‌گذاری بیشتری کنند و به عناصر مفیدتری برای جامعه تبدیل شوند. در منابع تاریخی آمده است که رسول خدا ﷺ به‌خاطر فقر ابوطالب علیه‌السلام و کثرت فرزندان او، سرپرستی علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را از کودکی و در زمان حیات پدرش، بر عهده گرفت (ر.ک: ابن‌شهرآشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج۲، ص۱۸۰؛ نیز ر.ک: الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۲، ص۳۰۰) اما، دولت‌ها می‌توانند ازطریق اعطای مشوّق‌های مادی و معنوی و رفع موانع بر سر راه فرزندآوری، خانواده‌ها را در این راه یاری رسانند و آنها را از دلسردی در مسیر فرزندآوری باز دارند. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به همین منظور در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است (ر.ک: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰). البته، این مؤلفه نیز برای توان فرزندآوری جنبه تسهیل‌کنندگی دارد؛ نه رکنی. این نمونه تاریخی، شاهدی بر امکان یاری خویشاوندان در پرورش و نگهداری فرزند است؛ نه دلیلی بر انتقال مسئولیت اصلی والدین به دیگران.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان دادند که مفهوم «فرزندآوری در حدّ توان» در منظومه آیات و روایات، مفهومی چندبعدی است و نمی‌توان آن را صرفاً به امکان زیستی یا توصیه‌ای کمّی درباره افزایش فرزند فروکاست. بر اساس تحلیل انجام‌شده، «توان فرزندآوری» عبارت است از ظرفیت و قابلیت درونی زوجین برای پذیرش و اقدام به فرزندآوری؛ ظرفیتی که در ابعاد گوناگون فردی و خانوادگی ظهور می‌یابد و با قابلیت‌های زیستی، کیفیت روابط زوجین و آمادگی‌های روانی آنان ارتباط دارد.

براین‌اساس، مؤلفه‌های سازنده توان فرزندآوری را می‌توان در سه محور اصلی صورت‌بندی کرد: مؤلفه زیستی (به‌طورعمده رکن توان فرزندآوری)؛ مؤلفه روانی؛ و مؤلفه روانی ـ اجتماعی. مؤلفه‌های زیستی ناظر به سلامت جسمانی، قابلیت باروری و شرایط تکوینی لازم برای فرزندآوری هستند. مؤلفه‌های روانی به آمادگی‌های درونی برای مواجهه با سختی‌های فرزندآوری، غلبه بر اضطراب معیشتی و امید به فرزندآوری به‌ویژه در شرایط دشوار مربوط است. مؤلفه‌های روانی ـ اجتماعی، شامل نگرش صحیح به فرزند، احساس مسئولیت درباره آینده او و اعتماد بر نظام‌های حمایتی اجتماعی است؛ بنابراین، توان فرزندآوری از مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و عناصر مؤثر درونی تشکیل می‌شود و ماهیتی مرکّب و چندلایه دارد.

تحلیل آیات و روایات نشان داد که فرزندآوری در چارچوب ظرفیت واقعی انسان معنا می‌یابد و نمی‌توان آن را از توان و استطاعت مکلف جدا دانست.

همچنین، یافته‌های پژوهش بر ضرورت تفکیک میان «توان فرزندآوری» و «تحقق فرزندآوری» دلالت دارد. توان فرزندآوری ناظر به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های درونی و زمینه‌ساز زوجین برای فرزندآوری است؛ درحالی‌که تحقق فرزندآوری، به فعلیت یافتن این ظرفیت‌ها در شرایط عینی زندگی و تولد فرزند مربوط می‌شود. براین‌اساس، عوامل بیرونی مانند مشکلات اقتصادی، موانع فرهنگی، محدودیت‌های اجتماعی و دیگر شرایط بیرونی، هرچند ممکن است بر تحقق فرزندآوری اثرگذار باشند، در تعریف ماهوی توان فرزندآوری دخیل نیستند.

فهرست منابع

* قرآن کریم. (مترجم: مکارم شیرازی).

** نهج‌البلاغه. (صبحی صالح). ۱۴۱۴ق. قم: هجرت.

آذربایجانی، مسعود؛ سالاری‌فر، محمدرضا؛ کاویانی آرانی، محمد و موسوی اصل، سیدمهدی. (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (محقق: علی‌اکبر غفاری، ج۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). جمهرة اللغه (ج۲) بیروت: دار العلم للملایین.

ابن‌شهرآشوب مازندرانی، محمدبن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب^ (ج۲). قم: علامه.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول|) (چاپ چهارم). تهران: دنیای دانش.

چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۳۹۷). بحران خاموش: واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی ـ اجتماعی کاهش باروری در ایران. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ﷺ.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹/۰۱/۰۳). بیانات در ارتباط تصویری با مداحان». قابل دسترس در: https://B2n.ir/dh1606

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (ج۵ و ۱۳؛ چاپ دوم). تهران: مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.

رشیدرضا، محمد. (۱۹۹۰م). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار (ج۱۰). [بی‌جا]: الهیئة المصریة العامة للکتاب.

سقای بی‌ریا، محمدجواد. (۱۴۰۳). درآمدی بر فلسفه فرزندآوری در آیات و روایات. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ﷺ، دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی.

سقای بی‌ریا، محمدجواد؛ آریان، حمید. (۱۴۰۲). واکاوی تقریرهای موجود از دیدگاه جمعیتی اسلام و ارائه تقریری نو بر اساس آیات و روایات. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۱۴(۳)، صص ۷-۲۴.

طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج۴ و ۱۴؛ چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۶ق). الإقتصاد فیما یتعلق بالإعتقاد. بیروت: دار الأضواء.

علم‌الهدی، علی بن حسین. (۱۴۱۱ق). الذخیرة فی علم الکلام. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج۷، چاپ دوم) قم: هجرت.

قطب، سید. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن (ج۴، چاپ سی‌وششم). بیروت: دار الشروق.

کتابی، احمد. (۱۳۷۷). درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناختی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کلاته ساداتی، احمد؛ علی‌مندگاری، ملیحه؛ هنرور، بهنام، بیاتی؛ محسن، رضوی‌نسب؛ عسل‌السادات؛ صادقیه، سارا و باقری لنکرانی، کامران. (۱۴۰۴). اضطراب و تعلیق فرزندآوری در بستر تغییرات اجتماعی. پایش، ۲۴(۲)، صص ۲۴۴-۲۵۶. https://doi.org/10.61186/payesh.24.2.243

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). کافی (محققان: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج۵ و ۶، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (ج۱۲). قم: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰). قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت. قابل دسترس در: https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1678266

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور). (۱۳۸۲). نرم‌افزار درایة النور (نسخه ۱/۲).

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام (چاپ دوم). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.

مصباح یزدی، محمدتقی؛ اسکندری، محمدحسین. (۱۳۹۴). اخلاق در قرآن (ج۲، چاپ هشتم). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). المقنعة (ج۲). قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج۷ و ۱۳، چاپ دهم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

Checkland, P. (1999). *Systems Thinking, Systems Practice: Includes a 30-Year Retrospective*. Chichester: John Wiley & Sons.

Oxford Learner's Dictionary. (2025). in: https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/element?q=element

Wallace, W. H. B, Kelsey, T. W. (2011). Human ovarian reserve from conception to the menopause, *PLOS One*,5(1): E8772. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0008772 in: https://arxiv.org/abs/1106.1382

Zhang, X. (2022). *Testicular aging, male fertility and beyond*. in: https://www.frontiersin.org/journals/endocrinology/articles/10.3389/fendo.2022.1012119